



تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر رابطه بین ساختار مالکیت و تغییر طبقه‌بندی سود

دکتر زانیار سجادی^۱

استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

افشین بالانی

دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

احمد پاریاد

کارشناسی ارشد حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۲ تیر ۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش: ۲۳ اسفند ۱۴۰۰)

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر رابطه بین ساختار مالکیت و تغییر طبقه‌بندی سود است. در این پژوهش، تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر رابطه بین ساختار مالکیت و تغییر طبقه‌بندی سود مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نمونه حاضر پژوهش شامل ۱۰۵ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۸ می‌باشد. به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش رگرسیون چندگانه استفاده گردیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین سهامداران نهادی و تغییر در طبقه‌بندی سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد و استقلال کمیته حسابرسی موجب تضعیف این رابطه می‌شود. درحالی‌که تخصص کمیته حسابرسی بر این رابطه مؤثر نمی‌باشد. همچنین بین مالکان دولتی و تغییر طبقه‌بندی سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. درحالی‌که تخصص کمیته حسابرسی موجب تضعیف این رابطه می‌باشد و استقلال کمیته حسابرسی بر رابطه مذکور تأثیری ندارد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ضمن وجود تغییر طبقه‌بندی سود، ساختار مالکیت شرکت‌ها بر میزان به‌کارگیری این روش تأثیرگذار است. همچنین این یافته‌ها حاکی از آن است که در حضور سهامداران نهادی و دولتی، ویژگی‌های کمیته حسابرسی نمی‌تواند عامل کاهنده‌ی بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی باشد.

واژه‌های کلیدی: تغییر طبقه‌بندی سود، ساختار مالکیت، ویژگی‌های کمیته حسابرسی.

¹ zanyar.sajjadi@uok.ac.ir

مقدمه

پژوهشهای زیادی در زمینه مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری و همچنین مدیریت سود از طریق رویدادهای واقعی صورت پذیرفته است که استفاده از هر کدام از این روشها محدودیت‌های زمانی و هزینه را به همراه دارند. درحالی‌که روش‌های جدید دیگری برای مدیریت سود و به طبع آن، تأثیر بر تصمیمات سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان وجود دارد. یکی از این روش‌های مدیریت سود، تغییر طبقه‌بندی سود است که در درون صورت سود و زیان اتفاق می‌افتد. تغییر طبقه‌بندی سود در واقع یک راهبرد خاص مدیریت سود است که طی آن مدیریت به‌نحوی که رقم نهایی سود و زیان شرکت تغییر نکند، اقدام به تغییر چیدمان اعداد درون سود و زیان می‌کند [۲۰]. با توجه به اینکه حساب‌برسان و ناظرین زمان و هزینه کمتری برای بررسی صحت طبقه‌بندی در گزارش‌های مالی صرف می‌کنند و از طرفی اکثر مدل‌های مختلف تصمیم‌گیری و به‌ویژه مدل‌های قیمت‌گذاری بر روی سود اصلی تمرکز دارد، این مجرا برای مدیریت ایجاد خواهد شد تا با تغییر طبقه‌بندی سود در درون صورت‌های مالی و بدون تأثیرگذاری بر روی سرجمع سود اقدام به مدیریت نحوه افشای اقلام کنند [۳].

برای اولین بار شواهد تجربی در خصوص استفاده از مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی در شرکت‌های آمریکایی توسط پژوهشی که مک وی [۲۳] انجام داد مشاهده شد. یافته‌های آن پژوهش نشان دهنده این موضوع بود که تغییر در طبقه‌بندی سود بیشتر در سه‌ماهه آخر سال اتفاق می‌افتد. شواهد دیگری نیز توسط هاو و همکاران [۱۹] در خصوص استفاده از شرکت‌هایی آسیایی از ابزار تغییر طبقه‌بندی هزینه‌هایشان به‌منظور افزایش درآمد ارائه شده است. در داخل کشور نیز ثقفی و همکاران [۳] در پژوهشی به این نتیجه رسیده‌اند که در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران نیز از تغییر طبقه‌بندی با عنوان یک ابزار مدیریت سود استفاده می‌شود. آن‌ها نشان دادند که شرکت‌ها از مدیریت سود واقعی، مدیریت اقلام تعهدی و تغییر طبقه‌بندی به‌عنوان ابزارهای مدیریت سود استفاده نموده‌اند. در مجموع این یافته‌ها بیانگر آن است مسئله مدیریت سود از طریق تغییر در طبقه‌بندی، در ایران نیز می‌تواند وجود داشته باشد.

می‌توان پژوهش‌های انجام شده پیرامون موضوع مدیریت سود است را به دو دسته اصلی تقسیم نمود: برخی از مطالعات به شناسایی عوامل تقویت‌کننده انگیزه مدیران برای مدیریت سود پرداخته‌اند و دسته‌ای دیگر از تحقیقات به دنبال شناسایی عواملی پرداخته‌اند که مانع مدیریت سود می‌گردد یا آن را محدود تر کند. اما مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی سود که در این پژوهش به آن پرداخته شده است می‌تواند به انگیزه‌های متفاوتی صورت گیرد. همچنین از دید تئوریک، ساختار مالکیت هم می‌تواند ایجادکننده انگیزه برای مدیریت سود باشد و هم از طرفی می‌تواند مدیریت سود را محدود کند. به بیانی دیگر، ساختار مالکیت شرکت می‌تواند بر این انگیزه‌ها مؤثر باشد، چراکه هر گروه از مالکان شرکت با انگیزه‌های متفاوتی وارد شرکت می‌شوند. بنابراین اینکه در عمل و برای هر نمونه یا مورد خاص، اثر کدام عامل یا عوامل بیشتر باشد و چه رابطه‌ای بین مدیریت سود (در این پژوهش از نوع تغییر در طبقه بندی سود) و ساختار مالکیت وجود دارد، مسئله‌ای تجربی است. در این پژوهش، دو نوع ساختار مالکیت

بررسی شده است که تصور می‌شود بر تغییر طبقه‌بندی سود تأثیرگذار باشند، از جمله مالکیت نهادی و مالکیت دولتی. این متغیرها قبلاً توسط چندین پژوهش قبلی استفاده شده است. با این حال، در مطالعات قبلی پژوهشگران آن‌ها را در رابطه با دو نوع اصلی مدیریت سود، یعنی مدیریت اقلام تعهدی و اختیاری مورد بررسی قرار داده بودند در حالی که در این پژوهش مدیریت سود از طریق تغییر در طبقه بندی سود به عنوان روشی متفاوت از دو روش دیگر مدیریت سود مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که کمیته حسابرسی به عنوان جزئی از ساختار حاکمیت شرکتی، ابزاری برای کاهش هزینه‌های نمایندگی و همچنین وسیله نظارتی اثربخشی برای بهبود روابط نمایندگی تلقی می‌شود [۲] که می‌تواند بر این رابطه تأثیرگذار باشد که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

با توجه به بااهمیت بودن این روش از مدیریت سود و خلأ پژوهشی در زمینه بررسی آن با سایر متغیرهای تأثیرپذیر و تأثیرگذار با آن، هدف این پژوهش بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر رابطه بین ساختار مالکیت و تغییر طبقه‌بندی سود است. برای این منظور ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل تخصص کمیته حسابرسی و استقلال کمیته حسابرسی بر رابطه بین ساختار مالکیت و تغییر طبقه‌بندی سود مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری

بر اساس تئوری نمایندگی رابطه نمایندگی زمانی به وجود می‌آید که طی توافقی یک یا چند نفر مسئولیت تصمیم‌گیری در خصوص توزیع منابع مالی و اقتصادی را به شخص دیگری واگذار کنند [۲۰]. مدیریت به عنوان طرفی که شرکت را مدیریت می‌کند موظف است همواره عملکرد شرکت را بهبود بخشیده تا سهامداران بتوانند از عملکرد مدیریت رضایت داشته و همچنین مورد توجه سرمایه‌گذاران بالقوه قرار گیرند. گزارش‌های مالی توسط مدیریت که مسئولیت اطلاع‌رسانی به سهامداران را بر عهده دارد، تهیه و ارائه می‌شود. بنابراین ممکن است مدیریت بنا به دلایل متفاوت اقدام به مدیریت سود نماید. مدیریت سود عنوانی برای فعالیت‌هایی اثرگذار بر سود حسابداری گزارش شده یا نحوه تفسیر آن‌ها است و شروع آن از تصمیمات حسابداران است که تا حدی سود اقتصادی نهفته را به واسطه انتخاب اندازه تعهدات و رفتار حسابداری، در زمان تهیه گزارش‌های مالی مشخص می‌کند و پایان آن در فعالیت‌هایی است که بر تفسیر گزارش‌های دوره‌ای اثر می‌گذارد [۱۲]. حاکمیت شرکتی، چهارچوبی فراهم می‌سازد تا تضمین کند، عرضه کنندگان تامین مالی شرکتی به بازده سرمایه‌گذاری خود دست می‌یابند. به اعتقاد آنها ساختار مالکیت تأثیر زیادی بر مدیریت شرکت، به منظور حفاظت از سرمایه‌گذاری‌ها دارد. این، دیدگاهی است که به عنوان "فرضیه نظارت کارا" صوت‌بندی مفهومی می‌شود. به همین دلیل ممکن است ساختار مالکیت و وجود مالکیت دولتی و نهادی از طریق افزایش نظارت هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد و باعث نظارت موثرتر بر مدیریت شوند تا حیطة فرصت طلبی مدیران برای درگیر شدن در مدیریت سود را کاهش دهد. [۲۵].

عموماً این گونه تصور می‌شود که ساختار مالکیت شرکت‌ها ممکن است به تغییر رفتار مدیران و در نهایت تغییر رفتار شرکت‌ها منجر شود. این امر از فعالیت‌های نظارتی که سرمایه‌گذاران انجام می‌دهند نشأت

می‌گیرد. از حیث تئوری، نهادها ممکن است انگیزه‌هایی برای نظارت فعال بر مدیریت داشته باشند. در این صورت این سوال مطرح می‌شود که آیا متفاوت بودن ساختار مالکیت شرکت‌ها بر دستکاری سود تاثیر دارد؟ یعنی اگر مالکان شرکت‌ها را گروه‌های مختلف مانند دولت، موسسات مالی، بانک‌ها و شرکت‌های دیگر تشکیل دهند مدیریت سود آن‌ها چگونه خواهد بود.

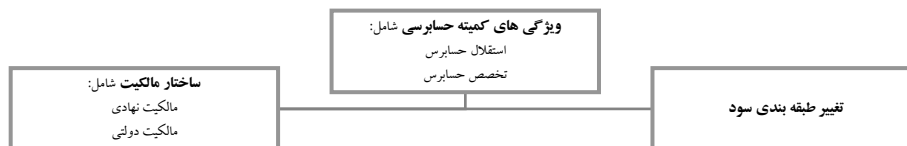
به بیانی دیگر تضاد منافع بین مدیران و مالکان که یکی از مهم‌ترین علل مدیریت سود می‌باشد از آنجا نشأت می‌گیرد که مدیران مالک شرکت نیستند و سهمی از آنچه انجام می‌دهند را در اختیار ندارند [۲۰]. کمبود نظارت بر عملکرد مدیران در شرکت‌ها موجب تشدید هزینه‌های نمایندگی می‌شود؛ بنابراین از زمان معرفی مسئله نمایندگی تاکنون، ابزارهای نظارتی متفاوتی جهت کاهش فرصت مدیران برای انجام مدیریت سود مطرح گردیده است. تاکنون تعاریف و روش‌های مختلفی از مدیریت سود عنوان گردیده است. یکی از روش‌های مدیریت سود که نسبت به روش‌های دیگر (مدیریت سود واقعی و تعهدی) کمتر شناخته شده است، مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی است. مک وی [۲۰] معتقد است مدیران ممکن است به منظور حفظ یا متورم کردن سودها (افزایش دادن سودها) به تغییر طبقه‌بندی هزینه‌های عملیاتی به اقلام ویژه (اقلام غیرمترقبه یا استثنایی) اقدام نمایند. این تغییر طبقه‌بندی موجب کاهش هزینه عملیاتی و افزایش سود عملیاتی می‌شود. همچنین عنوان می‌کند که تغییر طبقه‌بندی از سه منظر با مدیریت اقلام تعهدی و مدیریت رویدادهای واقعی متفاوت است. اول اینکه تغییر طبقه‌بندی منجر به تغییر خط آخر (عدد سود خالص) نمی‌شود. دوم همانند دست‌کاری در رویدادهای واقعی و بعضاً استفاده افراطی از اقلام تعهدی (که منجر به کاهش انعطاف‌پذیری سیستم حسابداری می‌شود) تأثیری بر سود و زیان آتی ندارد. سوم آنکه به دلیل عدم تغییر در سود یا زیان خالص چندان مشمول قوانین و مقررات لازم‌الاجرا و تمرکز حساب‌برسان و ناظران قرار ندارد. انگیزه اصلی مدیران جهت تغییر در طبقه‌بندی می‌تواند دستیابی به سود عملیاتی هدف، سود عملیاتی دوره قبل و یا پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران باشد [۱۸]. مدیران ترجیح می‌دهند که سود عملیاتی را از موارد خاص مستثنا کنند تا از این طریق پایداری عملیاتی نسبت به سود غیرعملیاتی و موارد خاص بیشتر شود [۱۷]. علاوه بر این، سودهای عملیاتی هستند که قیمت سهام شرکت را تعیین می‌کنند و شرکت‌هایی که به درآمد هدف یا مورد انتظار می‌رسند می‌توانند به بازده سهام بیشتری دست یابند [۹]؛ بنابراین شرکت‌ها برای تغییر در طبقه‌بندی سود می‌توانند انگیزه‌های زیادی داشته باشند [۲۵].

استا [۱] بیان می‌کند که نقش ساختار مالکیت بر مدیریت سود نباید نادیده گرفته شود. وی در پژوهش خود نشان می‌دهد که ساختار مالکیت بر مدیریت سود شرکت تأثیر معناداری دارد. در اقتصادهای در حال توسعه نظیر ایران، مالکیت دولتی و نهادی از جمله رایج‌ترین نوع مالکیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند. هر دو نوع مالکیت نهادی و دولتی، در واقع نوعی از مالکیت عمده یا متمرکز می‌باشند. تمرکز مالکیت به‌عنوان بخشی از ساختار مالکیت شرکت، مشوق‌ها و انگیزه‌هایی برای سهامداران نهادی جهت نظارت بر عملکرد مدیران فراهم می‌کند. به بیانی دیگر، سهامداران بزرگ به‌واسطه میزان سهام و قدرتی که دارند در نظارت بر عملکرد مدیران نسبت به مالکان اقلیت توانایی و انگیزه

بیشتری دارند [۸]. مدیلولی و همکاران [۲۴] بیان می‌کنند که مطابق مفاهیم تئوری رفتار فرصت‌طلبانه، ساختار مالکیت شرکت می‌تواند انگیزه‌هایی برای تغییر طبقه‌بندی سود ایجاد نماید. چو و همکاران [۱۳] معتقدند افزایش مالکیت نهادی نیاز سرمایه‌گذاران به نظارت را به‌وسیله مکانیسم‌هایی نظیر کمیته حسابرسی را کاهش می‌دهد. در نتیجه انتظار می‌رود که با افزایش مالکیت نهادی، انگیزه مدیریت سود به انواع روش‌های مختلف از جمله تغییر طبقه‌بندی سود کاهش یابد.

در خصوص تأثیر مالکیت دولتی بر مدیریت سود نیز بیان می‌شود که مالکیت دولتی موجب تشدید مشکلات نمایندگی می‌شود چراکه شرکت‌های دولتی بیشتر در برابر دولت مسئولیت دارند و اهداف آن‌ها نیز معمولاً تحت تأثیر سیاست‌های دولتی قرار می‌گیرد [۱۰]. در همین راستا، طالب نیا و همکاران [۵] بیان می‌کنند که شرکت‌های دولتی به سبب اهداف خاصی که دنبال می‌کنند با بخش زیادی از عدم کارایی روبه‌رو هستند که این امر در نهایت به افزایش مدیریت سود و تشدید مشکلات نمایندگی در این شرکت‌ها می‌شود. همچنین فرضیه رفتار فرصت‌طلبانه نیز نشان می‌دهند که مدیران در شرکت‌های دولتی تمایل بیشتری به مدیریت سود دارند [۱۱]. استدلال دیگر بیان می‌کند که دولت به‌عنوان یک قانون‌گذاران منطقاً به‌منظور حفاظت از منافع عمومی و همچنین حفاظت از منافع سایر سهامداران به دنبال ایجاد مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی باکیفیت می‌باشد [۲۷]. باین‌وجود، هسن و همکاران [۱۷] بیان می‌کنند که بین مالکیت دولتی و کارایی حاکمیت شرکتی رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین در خصوص تأثیر مالکیت دولتی بر کارایی حاکمیت شرکتی و مدیریت سود (از طریق تغییر طبقه‌بندی سود) یافته‌های متناقضی وجود دارد.

از سوی دیگر، ویژگی‌های کمیته حسابرسی از جمله راهکارهایی است که می‌توانند در کاهش مشکلات نمایندگی نقش بسزایی داشته باشد [۷]. باور بر این است که حضور سهامداران نهادی در ساختار مالکیت شرکت باعث بهبود مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی می‌گردد [۲۸]. مطالعات پیشین بیان می‌دارند حضور سهامداران نهادی تأثیر مثبتی در ایجاد مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی باکیفیت همچون کمیته حسابرسی دارد [۸]. هسن و همکاران [۱۷] در پژوهشی نشان دادند که بین کارایی مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و سهامداران نهادی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. آنها معتقد بودند که سهامداران نهادی انگیزه کمی برای ایجاد کمیته حسابرسی کارا و موثر، کاهش و بهبود عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع دارند و با توجه به رابطه تأثیرگذار خود قادرند این مشکلات را از طریق ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با مدیر رفع کنند. در نتیجه تأثیر سهامداران نهادی بر مدیریت سود (به شیوه‌های مختلف از طریق تغییر طبقه‌بندی سود) یافته‌های متناقضی وجود دارد. بر اساس آنچه گفته شد مدل مفهومی این پژوهش به شرح نمودار زیر می‌باشد:



نمودار شماره ۱. مدل مفهومی پژوهش

پیشینه پژوهش

ساکینا و همکاران [۲۶] دست‌کاری در حاشیه سود ناخالص، از طریق روش تغییر در طبقه‌بندی سود را بررسی کردند و به این منظور تغییر طبقه‌بندی بهای تمام‌شده کالای فروش رفته به هزینه‌های عملیاتی را بررسی کردند. یافته‌های آنان نشان داد که مدیران به منظور دستیابی به حاشیه سود موردنظر، قسمتی از بهای تمام‌شده کالای فروش رفته را به هزینه‌های عملیاتی تغییر طبقه می‌دهند. درواقع آن‌ها بخشی از بهای تمام‌شده کالای فروش رفته را به هزینه‌های اداری، تحقیق و توسعه و سایر هزینه‌های عملیاتی منتقل می‌کنند. دسی و همکاران [۱۶] در پژوهشی توانایی حساب‌رسان در شناسایی تغییر طبقه‌بندی سود و تمایل آنان به گزارش این نوع از مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که حساب‌رسان در ارزیابی ریسک تقلب و ریسک حسابرسی نسبت به تغییر طبقه‌بندی سود حساس می‌باشند اما تمایل آنان به گزارش تغییر در طبقه‌بندی سود، تحت تأثیر نظام حقوقی و مسئولیت‌های قانونی محیط فعالیت حسابرس قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر اگر موسسه حسابرسی در محیط حقوقی ضعیف قرار داشته باشد کمتر تمایل به گزارش این نوع از مدیریت سود دارد اما در نظام‌های حقوقی قوی تر، به دلیل مسئولیت‌ها و عواقب قانونی بیشتر، حساب‌رسان نسبت به گزارش این روش مدیریت سود بی‌تفاوت نخواهند ماند. ناگار و همکاران [۲۵] نیز در پژوهشی تغییر طبقه‌بندی را با توجه به تأثیر درماندگی مالی و حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار هند بررسی کردند. و به این نتیجه رسیدند که مدیران به‌منظور متورم ساختن سود عملیاتی، قسمتی از هزینه‌های عملیاتی خود را به طبقه اقلام استثنايي منتقل می‌کنند. این روش مدیریت سود در شرکت‌های دارای حاکمیت شرکتی ضعیفتر بیشتر استفاده می‌گردد. و از طرفی شرکت‌هایی که سطح بالایی از درماندگی مالی را دارند، به میزان بیشتری به ابزار تغییر طبقه‌بندی روی می‌آورند.

ثقفی و همکاران [۳] چگونگی اندازه‌گیری و وجود تغییر طبقه‌بندی در سود در بازار سرمایه ایران پرداخته و آن را بررسی کردند. جامعه آماری آن‌ها شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۸۱ الی ۱۳۹۳ است. یافته‌های پژوهش آن‌ها بیانگر آن است که شرکت‌ها از تغییر طبقه‌بندی به‌عنوان یک ابزار مدیریت سود استفاده می‌نمایند. همچنین آن‌ها به بررسی تعامل میان روش‌های مختلف مدیریت سود پرداختند و یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌ها به ترتیب از مدیریت رویدادهای واقعی، مدیریت اقلام تعهدی و تغییر طبقه‌بندی استفاده می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر شرکت‌ها با توجه به مقدار

استفاده از دو روش مدیریت سود یعنی رویداد واقعی و اقلام تعهدی، اقدام به تعیین مقدار تغییر طبقه‌بندی سود می‌کنند. همچنین یافته‌های آن‌ها نشان داد بحران‌های مالی در میزان و چگونگی استفاده از روش‌های مدیریت سود موثر است.

بنابراین با توجه به پیشینه پژوهش ارائه‌شده می‌توان نتیجه گرفت که در خصوص رابطه بین ساختار مالکیت و تغییر در طبقه‌بندی سود یافته‌های تجربی کافی وجود ندارد که بررسی پژوهش حاضر می‌تواند کمکی جهت رفع خلأ موجود در ادبیات نظری و تجربی در این خصوص باشد.

فرضیه‌های پژوهش

به‌منظور نیل به هدف پژوهش، فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار می‌گیرند:

فرضیه اول: بین مالکیت نهادی و تغییر در طبقه‌بندی سود رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین مالکیت دولتی و تغییر در طبقه‌بندی سود رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: استقلال کمیته حسابرسی بر رابطه بین مالکیت نهادی و تغییر در طبقه‌بندی سود تأثیر معناداری دارد.

فرضیه چهارم: تخصص کمیته حسابرسی بر رابطه بین مالکیت نهادی و تغییر در طبقه‌بندی سود تأثیر معناداری دارد.

فرضیه پنجم: استقلال کمیته حسابرسی بر رابطه بین مالکیت دولتی و تغییر در طبقه‌بندی سود تأثیر معناداری دارد.

فرضیه ششم: تخصص کمیته حسابرسی بر رابطه بین مالکیت دولتی و تغییر در طبقه‌بندی سود تأثیر معناداری دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، از نوع پژوهش‌های طولی و پس‌رویدادی است. اطلاعات مربوط به متغیرهای شرکت‌های مورد بررسی، از بانک‌های اطلاعاتی استخراج شده است. به منظور انجام آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار ایویوز استفاده شده و سطح اطمینان ۹۵ درصد در نظر گرفته شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۵ ساله ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ است. در انتخاب نمونه آماری، شرایط زیر اعمال شده است:

۱. پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه بوده و در طول دوره مطالعه، تغییر سال مالی نداشته باشند.

۲. سهام شرکت‌ها وقفه معاملاتی بیش از ۴ ماه نداشته باشد و

۳. جزو شرکت‌های بیمه‌ای، بانکی و سرمایه‌گذاری مالی نباشد.

۴. داده‌های موردنیاز پژوهش در دسترس باشند.

با اعمال محدودیت‌های فوق، حجم نمونه آماری برابر ۱۰۵ شرکت شده که برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آن استفاده شده است.

روش آزمون فرضیه‌ها

با توجه به روابط مورد اشاره در فرضیه‌های پژوهش، مدل (۱) به منظور آزمون فرضیه اول برآورد می‌شود:

$$CS_{it} = \alpha_0 + \beta_1 is_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 MB_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \epsilon_{it}$$

با توجه به روابط مورد اشاره در فرضیه‌های پژوهش، مدل (۲) به منظور آزمون فرضیه دوم برآورد می‌شود:

$$CS_{it} = \alpha_0 + \beta_1 soe_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 MB_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \epsilon_{it}$$

با توجه به روابط مورد اشاره در فرضیه‌های پژوهش، مدل (۳) به منظور آزمون فرضیه سوم برآورد می‌شود:

$$CS_{it} = \alpha_0 + \beta_1 is_{it} + \beta_2 CI_{it} + \beta_3 CI * is_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MB_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \epsilon_{it}$$

با توجه به روابط مورد اشاره در فرضیه‌های پژوهش، مدل (۴) به منظور آزمون فرضیه چهارم برآورد می‌شود:

$$CS_{it} = \alpha_0 + \beta_1 is_{it} + \beta_2 CSS_{it} + \beta_3 CSS * is_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MB_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \epsilon_{it}$$

با توجه به روابط مورد اشاره در فرضیه‌های پژوهش، مدل (۵) به منظور آزمون فرضیه پنجم برآورد می‌شود:

$$CS_{it} = \alpha_0 + \beta_1 soe_{it} + \beta_2 CI_{it} + \beta_3 CI * soe_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MB_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \epsilon_{it}$$

با توجه به روابط مورد اشاره در فرضیه‌های پژوهش، مدل (۶) به منظور آزمون فرضیه ششم برآورد می‌شود:

$$CS_{it} = \alpha_0 + \beta_1 soe_{it} + \beta_2 CSS_{it} + \beta_3 CSS * soe_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MB_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \epsilon_{it}$$

تعریف متغیرها:

متغیر وابسته

CS: به پیروی از مک وی [۲۳] ثقفی و همکاران [۳] به منظور اندازه‌گیری تغییر در طبقه‌بندی سود، به شرح زیر اقدام می‌شود:

مدل (۷)

$$CE_t = \beta_0 + \beta_1 CE_{t-1} + \beta_2 ATO_t + \beta_3 WCA_{t-1} + \beta_4 WCA_t + \beta_5 \Delta SALE_t + \beta_6 NEG_ \Delta SALE_t + \epsilon_t$$

که در آن:

CE: سود اصلی که عبارت است از خالص درآمد فروش منهای بهای تمام‌شده منهای هزینه‌های عمومی، فروش و اداری تقسیم‌بر خالص درآمد [۳]، [۲۳].

ATO: نسبت گردش دارایی‌های عملیاتی که از تقسیم فروش بر میانگین خالص دارایی‌های عملیاتی بدست می‌آید. این میانگین از جمع خالص دارایی‌های عملیاتی اول و آخر دوره تقسیم بر دو بدست آمده و خود خالص دارایی‌های عملیاتی حاصل دارایی‌های عملیاتی منهای بدهی‌های عملیاتی می‌باشد. دارایی‌های عملیاتی برابر است با جمع دارایی‌ها منهای وجه نقد و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت، همچنین بدهی‌های عملیاتی برابر است با کل دارایی‌ها منهای کل بدهی منهای ارزش دفتری سهام عادی و ممتاز و سهم اقلیت [۳]، [۲۳].

WCA: سرمایه در گردش (برابر است با تغییر در دارایی‌های جاری و جریان وجوه نقد منهای تغییر در بدهی‌های جاری و حصة جاری بدهی‌های بلندمدت) تقسیم‌بر کل دارایی‌های شرکت [۲]، [۲۳].

$\Delta SALE_t$: درصد تغییر در درآمد نسبت به دوره گذشته [۳]، [۲۳].

$NEG - \Delta SALE_t$: درصد کاهش در درآمدهای فروش و در صورت عدم کاهش برابر با صفر [۳]، [۲۳].

CS: تغییر طبقه‌بندی برابر است با باقیمانده مدل (۷)

متغیرهای مستقل

SOE مالکیت دولتی، به تبعیت از رهنمای رودپشتی و همکاران [۴] در صورتی که درصد مالکیت مستقیم یا غیرمستقیم دولت و نهادهای دولتی، در شرکت بیش از ۲۰ درصد باشد متغیر کنترل دولتی عدد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود.

IS: در صورتی که بیش از ۵ درصد سهام در اختیار مالکان نهادی (شرکت‌ها، بانک‌ها، مؤسسات مالی و دیگر مالکان نهادی) باشد، به متغیر عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می‌گیرد.

متغیر تعدیل‌گر

الف - ویژگی‌های کمیته حسابرسی

استقلال کمیته حسابرسی: برابر است با درصد اعضای مستقل در کمیته حسابرسی. که بر اساس بند یک ماده ۱ منشور کمیته حسابرسی، عضو مستقل، عضوی است فاقد هرگونه رابطه یا منافع مستقیم یا غیرمستقیم که بر تصمیم‌گیری مستقل وی اثرگذار باشد، موجب جانبداری وی از منافع فرد یا گروه خاصی از سهامداران یا سایر ذی‌نفعان شود یا سبب عدم رعایت منافع یکسان سهامداران گردد.

تخصص کمیته حسابرسی: بر مبنای بند یک ماده ۶ منشور کمیته حسابرسی، برابر است با نسبت اعضای دارای تخصص مالی و حسابداری به کل اعضای کمیته حسابرسی

متغیرهای کنترلی

با توجه به آن که تغییر طبقه بندی سود نوعی از مدیریت سود است و بررسی ادبیات مدیریت سود نشان دهنده وجود رابطه بین برخی متغیرها و مدیریت سود است، در این پژوهش نیز به تبعیت از پژوهشهایی همانند پژوهش مک وی [۲۳] و لو و همکاران [۲۲] اثر متغیرهای زیر کنترل شد:

SIZE: برابر است با لگاریتم کل دارایی‌های شرکت (اندازه شرکت). پایداری و قابلیت پیش بینی عملیات در شرکتهای بزرگ بیشتر است و این باعث کاهش دستکاری و مدیریت سود می گردد [۱۵].

MB: نسبت ارزش بازار شرکت به ارزش دفتری آن [۲۳]، [۲۲].

LEV: برابر است نسبت کل بدهی به کل دارایی‌های شرکت [۲۲].

ROA: نسبت سود عملیاتی شرکت به کل دارایی‌های شرکت که پژوهشهایی همچون پژوهش کوتاری و همکاران [۲۱] نشان دهنده وجود رابطه بین این متغیر و مدیریت سود است.

یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی پژوهش

در جدول (۱) آمار توصیفی تمامی متغیرهای پژوهش، اعم از مستقل، وابسته و کنترلی آورده شده است. میانگین تغییر در طبقه بندی سود نشان دهنده عدد ۰,۰۰۲ می باشد که این متغیر در بیشترین میزان خود به عدد ۰,۶۵ و در کمترین آن نیز عدد ۱,۲۸- می رسد. میانگین بازده دارایی‌ها نشان دهنده عدد ۱۳ درصد می باشد. هرچه نسبت بازده دارایی‌ها بیشتر باشد، کارایی مدیریت شرکت در تبدیل منابع به سود نیز در سطح بالاتری ارزیابی می شود. این متغیر در بیشترین میزان خود به عدد ۵۹ درصد و کمترین آن به عدد ۲۶ درصد منفی می رسد. میانگین فرصت‌های رشد نشان می دهد که به طور میانگین ارزش بازار شرکت‌های نمونه حدود ۲,۵ برابر ارزش دفتری کل دارایی‌های این شرکت‌ها است. هرچه این نسبت بیشتر باشد، فرصت‌های رشد شرکت نیز بیشتر است. میانگین اهرم مالی حاکی از آن است که شرکت‌های نمونه تمایل بیشتری به تأمین مالی از طریق بدهی دارند چراکه بیش از ۵۷ درصد دارایی‌های این شرکت‌ها از محل بدهی تأمین گردیده است. همچنین میانگین استقلال کمیته حسابرسی در شرکت‌های مورد بررسی ۶۸ درصد می باشد. به این معنی که بیش از ۶۸ درصد اعضای کمیته حسابرسی را اعضای غیرموظف تشکیل می دهند. همچنین میانگین تخصص کمیته حسابرسی نیز نشان دهنده عدد ۸۰ درصد است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرها

نام فارسی	نماد	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
تغییر در طبقه بندی سود	CS	۰,۰۰۲	۰,۰۰۴	۰,۶۵۴	-۱,۲۸۰	۰,۱۳۰
بازده دارایی‌ها	ROA	۰,۱۳۸	۰,۱۱۴	۰,۵۹۰	-۰,۲۶۸	۰,۱۱۸
اندازه شرکت	SIZE	۱۴,۵۶۲	۱۴,۴۲۴	۲۰,۱۸۳	۱۱,۱۹۸	۱,۴۶۶
فرصت‌های رشد	MB	۲,۵۵۴	۱,۷۰۹	۱۱,۱۷۷	۰,۴۲۷	۲,۱۰۹

۰,۱۴۸	۰,۲۶۲	۰,۸۷۱	۰,۵۶۶	۰,۵۷۰	LEV	اهرم مالی
۰,۲۳۹	۰,۰۰۰	۱,۰۰۰	۰,۶۶۶	۰,۶۸۲	CI	استقلال کمیته حسابرسی
۰,۲۷۵	۰,۰۰۰	۱,۰۰۰	۱,۰۰۰	۰,۸۰۲	BS	تخصص کمیته حسابرسی

در جدول (۲)، توزیع فراوانی متغیرهای مجازی سهامداران نهادی و سهامداران دولتی ارائه گردیده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی برای متغیرهای مجازی

متغیر	صفر		یک	
	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی
سهامداران دولتی	۳۱۶	۰/۶۰	۲۰۹	۰/۴۰
سهامداران نهادی	۱۰۹	۰/۲۰	۴۱۶	۰/۸۰

فراوانی متغیر سهامداران دولتی نشان می‌دهد که حدود ۴۰ درصد مشاهدات مشمول تعریف سهامداران دولتی قرار گرفته‌اند. به این معنی که در ۴۰ درصد مشاهدات، دولت به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بیش از ۲۰ درصد سهام شرکت را در اختیار دارد. همچنین در ۴۱۶ مشاهده نیز سهامداران نهادی در سهام شرکت مورد نظیر سهام می‌باشند.

ضرایب همبستگی

برای بررسی جهت و شدت همبستگی خطی بین متغیرهای پژوهش، آزمون ضرایب همبستگی پیرسون انجام شده و نتایج آن در جدول (۳) ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین متغیر تغییر در طبقه‌بندی سود و هیچ‌یک از متغیرهای مستقل و کنترلی همبستگی معناداری در سطح اطمینان ۹۵ یافت نگردیده است. ولیکن بین متغیر سهامداران نهادی با مالکیت دولتی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین سهامداران نهادی با اهرم مالی نیز همبستگی مثبت و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. مالکیت دولتی نیز دارای همبستگی مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد با متغیرهای بازده دارایی‌ها، اندازه شرکت و فرصت‌های رشد می‌باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت با توجه به آن که همبستگی بین متغیرهای پژوهش در بازه (۱- الی ۱+) قرار دارد، بین متغیرهای پژوهش مشکل خودهمبستگی نیز وجود ندارد.

جدول ۳. ضرایب همبستگی پیرسون

LEV	MB	SIZE	ROA	SOE	IS	CS	CSS	CI	Probability
								۱,۰۰	CI

							۱,۰۰	۰,۳۰	CSS
							-----	(۰,۰۰)	
						۱,۰۰	۰,۰۸	۰,۰۳	CS
						-----	(۰,۰۸)	(۰,۴۷)	
					۱,۰۰	-۰,۰۴	-۰,۰۲	-۰,۱۵	IS

					----	(۰,۴۲)	(۰,۷۱)	(۰,۰۰)	
			۱,۰۰	۰,۱۶	-۰,۰۳	-۰,۰۳	-۰,۰۳	-۰,۰۳	SOE
			----	(۰,۰۰۰)	(۰,۵۱)	(۰,۴۸)	(۰,۵۶)		
		۱,۰۰	۰,۱۵	۰,۰۹	-۰,۰۶	۰,۰۷	۰,۰۴	ROA	
		----	(۰,۰۰)	(۰,۰۷)	(۰,۲۱)	(۰,۱۶)	(۰,۴۴)		
		۱,۰۰	۰,۳۱	۰,۳۷	۰,۰۸	-۰,۰۷	۰,۰۷	۰,۰۴	SIZE
		----	(۰,۰۰)	(۰,۰۰)	(۰,۰۹)	(۰,۱۵)	(۰,۱۷)	(۰,۴۰)	
	۱,۰۰	-۰,۰۲	۰,۳۳	۰,۳۱	۰,۰۲	-۰,۰۳	۰,۰۲	۰,۰۰	MB
	----	(۰,۶۹)	(۰,۰۰)	(۰,۰۰)	(۰,۷۵)	(۰,۵۷)	(۰,۶۱)	(۰,۹۷)	
۱,۰۰	-۰,۲۲	-۰,۰۴	-۰,۳۴	۰,۰۳	۰,۱۵	۰,۰۵	۰,۰۲	۰,۰۲	LEV
----	(۰,۰۰)	(۰,۳۸)	(۰,۰۰)	(۰,۵۲)	(۰,۰۰)	(۰,۲۶)	(۰,۷۳)	(۰,۶۳)	

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج فرضیه اول

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش در جدول (۴) ارائه گردیده است. این نتایج نشان می‌دهد که بین سهامداران نهادی و تغییر در طبقه‌بندی سود رابطه منفی و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. بنابراین فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود. بر اساس این یافته‌ها می‌توان گفت که افزایش سهامداران نهادی در شرکت با کنترل اثرات متغیرهای کنترلی، موجب کاهش تغییر در طبقه‌بندی سود می‌شود. همچنین در بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت دارای رابطه‌ی منفی و معنادار و متغیرهای بازده دارایی‌ها و اهرم مالی با تغییر در طبقه‌بندی سود و دارای رابطه مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشند.

جدول ۴. نتایج حاصل از برآورد آزمون مدل (۱)

معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضریب	نماد	نام فارسی
۰,۰۰۴	-۲,۹۱۷	۰,۰۰۴	-۰,۰۱۳	IS	سهامداران نهادی
۰,۰۰۱	-۳,۳۰۰	۰,۰۰۱	-۰,۰۰۵	SIZE	اندازه شرکت
۰,۹۲۰	۰,۱۰۱	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	MB	فرصت‌های رشد
۰,۰۰۷	۲,۷۰۴	۰,۰۱۳	۰,۰۳۶	LEV	اهرم مالی
۰,۰۰۰	۳,۷۴۶	۰,۰۱۹	۰,۰۷۰	ROA	بازده دارایی‌ها
۰,۰۲۲	۲,۲۹۷	۰,۰۲۰	۰,۰۴۶	C	عرض از مبدأ
۴/۴۳		آماره فیشر	۰/۰۳۱		ضریب تعیین تعدیل شده

۰/۰۰۰	احتمال آماره فیش	۲/۳۶	دوربین واتسون
(۰,۰۰۰) ۷,۱۰	آماره آزمون هاسمن	(۰,۰۰۰) ۱,۶۷	آماره آزمون چاو

احتمال آماره فیش نشان می‌دهد که مدل برآورده شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده حاکی از آن است که متغیرهای مستقل و کنترلی در حدود ۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تشریح نموده‌اند. آماره دوربین واتسون نیز نشان می‌دهد که بین باقیمانده مدل (۱) خودهمبستگی سریالی وجود ندارد. در نهایت بر اساس نتایج آزمون‌های چاو و هاسمن، مدل (۱) با الگوی داده‌های تابلویی و اثرات ثابت برآورد گردیده است.

نتایج فرضیه دوم

نتایج آزمون مدل دوم پژوهش در جدول (۵) ارائه گردیده است. این نتایج نشان می‌دهد که بین سهامداران دولتی و تغییر در طبقه‌بندی سود رابطه مثبت و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. بنابراین فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. بر اساس این یافته‌ها می‌توان گفت که افزایش سهامداران دولتی در شرکت با کنترل اثرات متغیرهای کنترلی، موجب افزایش تغییر در طبقه‌بندی سود می‌شود. همچنین در بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت دارای رابطه منفی و معنادار و متغیرهای بازده دارایی‌ها و اهرم مالی با تغییر در طبقه‌بندی سود و دارای رابطه مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشند.

جدول ۵. نتایج حاصل از برآورد آزمون مدل (۲)

نام فارسی	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
سهامداران دولتی	SOE	۰,۰۰۸	۰,۰۰۴	۲,۰۱۹	۰,۰۴۴
اندازه شرکت	SIZE	-۰,۰۰۶	۰,۰۰۲	-۳,۶۹۱	۰,۰۰۰
فرصت‌های رشد	MB	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	-۰,۵۱۲	۰,۶۰۹
اهرم مالی	LEV	۰,۰۲۵	۰,۰۱۲	۲,۱۱۶	۰,۰۳۵
بازده دارایی‌ها	ROA	۰,۰۶۰	۰,۰۱۸	۳,۳۷۸	۰,۰۰۱
عرض از مبدأ	C	۰,۰۵۸	۰,۰۲۱	۲,۷۳۴	۰,۰۰۷
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۳۰		آماره فیش	۳/۹۳	
دوربین واتسون	۲/۳۹		احتمال آماره فیش	۰/۰۰۰	
آماره آزمون چاو	(۰,۰۰۰) ۱,۷۲		آماره آزمون هاسمن	(۰,۰۰۰) ۷,۶۴	

احتمال آماره فیش نشان می‌دهد که مدل برآورده شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده حاکی از آن است که متغیرهای مستقل و کنترلی در حدود ۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تشریح نموده‌اند. آماره دوربین واتسون نیز نشان می‌دهد که بین باقیمانده مدل (۲)

خودهمبستگی سریالی وجود ندارد. در نهایت بر اساس نتایج آزمون‌های چاو و هاسمن، مدل (۲) با الگوی داده‌های تابلویی و اثرات ثابت برآورد گردیده است.

نتایج فرضیه سوم

نتایج آزمون مدل سوم پژوهش در جدول (۶) ارائه گردیده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که اثرات هم‌زمان سهامداران نهادی و استقلال کمیته حسابرسی بر تغییر در طبقه‌بندی سود تأثیر مثبت و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. این نتایج نشان می‌دهد که افزایش اعضای غیرموظف در کمیته حسابرسی موجب می‌شود که رابطه منفی بین سهامداران نهادی و تغییر در طبقه‌بندی مثبت گردد. همچنین در بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت دارای رابطه‌ی منفی و معنادار و متغیرهای بازده دارایی‌ها و اهرم مالی با تغییر در طبقه‌بندی سود دارای رابطه مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشند.

جدول ۶. نتایج حاصل از برآورد آزمون مدل (۳)

نام فارسی	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
سهامداران نهادی	IS	-۰,۰۵۸	۰,۰۱۹	-۳,۰۰۴	۰,۰۰۳
استقلال کمیته حسابرسی	CI	-۰,۰۴۶	۰,۰۲۲	-۲,۰۴۱	۰,۰۴۲
اثرات هم‌زمان استقلال کمیته حسابرسی و سهامداران نهادی	IS*CI	۰,۰۶۷	۰,۰۲۵	۲,۶۶۸	۰,۰۰۸
اندازه شرکت	SIZE	-۰,۰۰۶	۰,۰۰۱	-۴,۵۶۱	۰,۰۰۰
فرصت‌های رشد	MB	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	-۰,۵۲۸	۰,۵۹۸
اهرم مالی	LEV	۰,۰۴۰	۰,۰۱۱	۳,۶۰۹	۰,۰۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	۰,۱۱۳	۰,۰۱۹	۵,۹۴۱	۰,۰۰۰
عرض از مبدأ	C	۰,۰۹۴	۰,۰۲۵	۳,۷۶۷	۰,۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۵۵	آماره فیشر		۵/۳۹۱	
دوربین واتسون	۲/۴۴۴	احتمال آماره فیشر		۰/۰۰۰	
آماره آزمون چاو	۱,۵۴ (۰,۰۰۰)	آماره آزمون هاسمن		۸,۴۳ (۰,۰۰۰)	

احتمال آماره فیشر نشان می‌دهد که مدل برآورده شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده حاکی از آن است که متغیرهای مستقل و کنترلی در حدود ۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تشریح نموده‌اند. آماره دوربین واتسون نیز نشان می‌دهد که بین باقیمانده مدل (۳)

خودهمبستگی سریالی وجود ندارد. در نهایت بر اساس نتایج آزمون‌های چاو و هاسمن، مدل (۳) با الگوی داده‌های تابلویی و اثرات ثابت برآورد گردیده است.

نتایج فرضیه چهارم

نتایج آزمون مدل چهارم پژوهش در جدول (۷) ارائه گردیده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که اثرات هم‌زمان سهامداران نهادی و تخصص کمیته حسابرسی بر تغییر در طبقه‌بندی سود در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نمی‌باشد. به بیانی دیگر، در خصوص تعدیل‌گری تخصص کمیته حسابرسی بر رابطه بین سهامداران نهادی و تغییر در طبقه‌بندی سود تأثیر معناداری یافت نگردید. همچنین در بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت دارای رابطه‌ی منفی و معنادار و متغیرهای بازده دارایی‌ها و اهرم مالی با تغییر در طبقه‌بندی سود و دارای رابطه مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشند.

جدول ۷. نتایج حاصل از برآورد آزمون مدل (۴)

نام فارسی	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
سهامداران نهادی	IS	-۰,۰۲۶	۰,۰۱۶	-۱,۶۰۸	۰,۱۰۹
تخصص کمیته حسابرسی	CSS	۰,۰۰۵	۰,۰۱۷	۰,۳۰۹	۰,۷۵۸
اثرات هم‌زمان سهامداران نهادی و تخصص کمیته حسابرسی	IS*CSS	۰,۰۲۰	۰,۰۱۹	۱,۰۴۴	۰,۲۹۷
اندازه شرکت	SIZE	-۰,۰۰۶	۰,۰۰۱	-۴,۲۳۳	۰,۰۰۰
فرصت‌های رشد	MB	۰,۰۰۰	۰,۰۰۱	-۰,۹۳۸	۰,۳۴۹
اهرم مالی	LEV	۰,۰۴۱	۰,۰۱۱	۳,۶۷۰	۰,۰۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	۰,۱۰۸	۰,۰۱۹	۵,۵۵۲	۰,۰۰۰
عرض از مبدأ	C	۰,۰۵۶	۰,۰۲۳	۲,۴۱۸	۰,۰۱۶
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰/۰۵۴	آماره فیشر	۵/۳۳۰		
دوربین واتسون	۲/۴۶۱	احتمال آماره فیشر	۰/۰۰۰		
آماره آزمون چاو	۱,۹۰۱ (۰,۰۰۰)	آماره آزمون هاسمن	۱۳,۰۶۱ (۰,۰۰۰)		

احتمال آماره فیشر نشان می‌دهد که مدل برآورده شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل‌شده حاکی از آن است که متغیرهای مستقل و کنترلی در حدود ۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تشریح نموده‌اند. آماره دوربین واتسون نیز نشان می‌دهد که بین باقیمانده مدل (۴) خودهمبستگی سریالی وجود ندارد. در نهایت بر اساس نتایج آزمون‌های چاو و هاسمن، مدل (۴) با الگوی داده‌های تابلویی و اثرات ثابت برآورد گردیده است.

نتایج فرضیه پنجم

نتایج آزمون مدل پنجم پژوهش در جدول (۸) ارائه گردیده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که اثرات هم‌زمان سهامداران دولتی و استقلال کمیته حسابرسی بر تغییر در طبقه‌بندی سود در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نمی‌باشد. به بیانی دیگر، در خصوص تعدیل گری استقلال کمیته حسابرسی بر رابطه بین سهامداران دولتی و تغییر در طبقه‌بندی سود تأثیر معناداری یافت نگردید. همچنین در بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت دارای رابطه منفی و معنادار و متغیرهای بازده دارایی‌ها و اهرم مالی با تغییر در طبقه‌بندی سود و دارای رابطه مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشند.

جدول ۸. نتایج حاصل از برآورد آزمون مدل (۵)

نام فارسی	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
سهامداران دولتی	SOE	-۰,۰۰۸	۰,۰۱۵	-۰,۵۴۵	۰,۵۸۶
استقلال کمیته حسابرسی	CI	۰,۰۰۱	۰,۰۱۲	۰,۰۶۵	۰,۹۴۸
اثرات هم‌زمان سهامداران دولتی و استقلال کمیته حسابرسی	SOE*CI	۰,۰۲۰	۰,۰۲۱	۰,۹۴۹	۰,۳۴۳
اندازه شرکت	SIZE	-۰,۰۰۸	۰,۰۰۲	-۴,۸۸۱	۰,۰۰۰
فرصت‌های رشد	MB	۰,۰۰۰	۰,۰۰۱	-۰,۹۵۵	۰,۳۴۰
اهرم مالی	LEV	۰,۰۳۳	۰,۰۱۰	۳,۱۴۰	۰,۰۰۲
بازده دارایی‌ها	ROA	۰,۱۰۱	۰,۰۱۹	۵,۳۳۸	۰,۰۰۰
عرض از مبدأ	C	۰,۰۷۶	۰,۰۲۳	۳,۲۸۸	۰,۰۰۱
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۳۷		آماره فیشر		۳/۹۰۷
دوربین واتسون	۲/۴۸۱		احتمال آماره فیشر		۰/۰۰۰
آماره آزمون چاو	۱,۸۶ (۰,۰۰۰)		آماره آزمون هاسمن		۱۰,۵۳۱ (۰,۰۰۰)

احتمال آماره فیشر نشان می‌دهد که مدل برآورده شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده حاکی از آن است که متغیرهای مستقل و کنترلی در حدود ۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تشریح نموده‌اند. آماره دوربین واتسون نیز نشان می‌دهد که بین باقیمانده مدل (۵) خودهمبستگی سریالی وجود ندارد. در نهایت بر اساس نتایج آزمون‌های چاو و هاسمن، مدل (۵) با الگوی داده‌های تابلویی و اثرات ثابت برآورد گردیده است.

نتایج فرضیه ششم

نتایج آزمون مدل ششم پژوهش در جدول (۹) ارائه گردیده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که اثرات هم‌زمان سهامداران دولتی و تخصص کمیته حسابرسی بر تغییر در طبقه‌بندی سود در سطح اطمینان ۹۵

درصد مثبت و معنادار است. به بیانی دیگر، تخصص کمیته حسابرسی رابطه منفی بین سهامداران دولتی و تغییر در طبقه‌بندی سود را به سمت مثبت تعدیل می‌کند. همچنین در بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت دارای رابطه‌ی منفی و معنادار و متغیرهای بازده دارایی‌ها و اهرم مالی با تغییر در طبقه‌بندی سود و دارای رابطه مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشند.

جدول ۹. نتایج حاصل از برآورد آزمون مدل (۶)

نام فارسی	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
سهامداران دولتی	SOE	-۰,۰۳۲	۰,۰۱۴	-۲,۲۹۹	۰,۰۲۲
تخصص کمیته حسابرسی	CSS	۰,۰۰۵	۰,۰۰۹	۰,۵۶۸	۰,۵۷۰
اثرات هم‌زمان سهامداران دولتی و تخصص کمیته حسابرسی	SOE*CSS	۰,۰۴۹	۰,۰۱۷	۲,۹۲۱	۰,۰۰۴
اندازه شرکت	SIZE	-۰,۰۰۸	۰,۰۰۲	-۴,۶۱۵	۰,۰۰۰
فرصت‌های رشد	MB	-۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	-۱,۲۶۸	۰,۲۰۵
اهرم مالی	LEV	۰,۰۲۷	۰,۰۱۱	۲,۴۷۲	۰,۰۱۴
بازده دارایی‌ها	ROA	۰,۰۹۳	۰,۰۱۹	۴,۸۶۸	۰,۰۰۰
عرض از مبدأ	C	۰,۰۷۷	۰,۰۲۵	۳,۰۶۹	۰,۰۰۲
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰/۰۵۹	آماره فیشر	۵/۷۲۵		
دوربین واتسون	۲/۴۶۹	احتمال آماره فیشر	۰/۰۰۰		
آماره آزمون چاو	۱,۹۷۱ (۰,۰۰۰)	آماره آزمون هاسمن	۱۰,۱۱۳ (۰,۰۰۱)		

احتمال آماره فیشر نشان می‌دهد که مدل برآورده شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل‌شده حاکی از آن است که متغیرهای مستقل و کنترلی در حدود ۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تشریح نموده‌اند. آماره دوربین واتسون نیز نشان می‌دهد که بین باقیمانده مدل (۶) خودهمبستگی سریالی وجود ندارد. در نهایت بر اساس نتایج آزمون‌های چاو و هاسمن، مدل (۶) با الگوی داده‌های تابلویی و اثرات ثابت برآورد گردیده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تغییر در طبقه‌بندی سود یکی از روش‌های مدیریت سود است که نسبت به شیوه مدیریت سود تعهدی و واقعی کمتر شناخته شده است. این تغییر طبقه‌بندی موجب کاهش هزینه عملیاتی و افزایش سود عملیاتی می‌شود. شواهد تجربی در خصوص استفاده از این ابزار مدیریت سود در شرکت‌های آمریکایی برای اولین بار توسط مک وی [۲۰] نمایان شد. همچنین ثقفی و همکاران [۳] بیان می‌کند که در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نیز از تغییر طبقه‌بندی با عنوان یک ابزار مدیریت سود استفاده می‌شود. آن‌ها نشان می‌دهند که شرکت‌ها از مدیریت سود واقعی، مدیریت اقلام تعهدی و تغییر طبقه‌بندی

به‌عنوان ابزارهای مدیریت سود استفاده نموده‌اند. این یافته‌ها بیانگر آن است مسئله مدیریت سود از طریق تغییر در طبقه‌بندی در ایران نیز می‌تواند وجود داشته باشد. همچنین کمیته حسابرسی بخش مهمی از نظام حاکمیت شرکتی محسوب می‌شود که از وظایف آن نظارت، جهت بهبود کیفیت گزارشگری مالی شرکت را می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که حضور سهامداران نهادی موجب کاهش تغییر طبقه‌بندی سود می‌شود و این رابطه اثرگذاری مفید نظارت مالکان نهادی و به‌تبع آن بالا رفتن کیفیت سود را تأیید می‌کند؛ لیکن رابطه بین مالکان دولتی و تغییر طبقه‌بندی سود مثبت و معنادار است. به این معنی که حضور سهامداران دولتی (با کنترل اثرات متغیرهای کنترلی) موجب افزایش تغییر طبقه‌بندی در سود می‌شود، که این نتیجه نیز با تأثیر منفی مالکیت دولتی بر کیفیت سود و تشدید مشکلات نمایندگی عنوان شده توسط پژوهش‌های قبلی (بیتی و همکاران [۱۰]، طالب نیا و همکاران [۵]) سازگاری دارد. از سوی دیگر، استدلال می‌شود که یکی از مهم‌ترین مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی، هیئت‌مدیره شرکت است. هیئت‌مدیره شرکت به‌عنوان مسئول نهایی تهیه صورت‌های مالی شناخته می‌شود. در پژوهش حاضر تأثیر استقلال و اندازه هیئت‌مدیره به‌عنوان بخشی از ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر رابطه بین ساختار مالکیت و تغییر طبقه‌بندی سود موردتوجه قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که استقلال کمیته حسابرسی موجب تعدیل رابطه منفی سهامداران نهادی و تغییر طبقه‌بندی سود می‌شود. در حالی که تخصص کمیته حسابرسی بر این رابطه مؤثر نمی‌باشد. از سوی دیگر، استقلال کمیته حسابرسی در شرکت‌هایی که دارای مالکان دولتی هستند، تأثیری بر طبقه‌بندی سود ندارد. ولیکن تخصص کمیته حسابرسی موجب تعدیل رابطه منفی بین سهامداران نهادی و تغییر طبقه‌بندی سود می‌شود. این یافته‌ها حاکی از آن است که در خصوص حضور سهامداران نهادی و دولتی، ویژگی‌های کمیته حسابرسی نمی‌تواند عامل کاهنده‌ای بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی سود باشد.

یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های مک وی [۲۰] و ثقفی و همکاران [۳] در یک راستا قرار دارد. همچنین در خصوص تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر روابط یادشده نیز، نتایج این پژوهش با یافته‌های چو و همکاران [۱۴] و هسن و همکاران [۱۸] در یک راستا قرار دارد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر به هیئت‌مدیره شرکت‌ها توصیه می‌شود که مکانیسم‌های نظارتی متناسب با شیوه‌های نوین مدیریت سود نظیر تغییر طبقه‌بندی سود را تدوین نمایند. همچنین به حساب‌رسان نیز توصیه می‌شود که در ارزیابی کیفیت سود شرکت‌های مشتری به امکان وجود تغییر طبقه‌بندی سود نیز توجه ویژه‌ای گردد. از سوی دیگر، به‌منظور بسط پژوهش حاضر به سایر پژوهشگران توصیه می‌شود که تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی بر تغییر طبقه‌بندی سود موردتوجه قرار گیرد.

فهرست منابع

۱. استا، سهراب. (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود". پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۸، صص ۹۳-۱۰۶.
۲. سلیمانی، غلامرضا و مقدسی نیکجه، مینا. (۱۳۹۳). "نقش کنترل‌های داخلی، حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی در بهبود نظام راهبری (حاکمیت) شرکتی". حسابداری و منافع اجتماعی، (۱)۴.
۳. ثقفی، علی و جمالیان‌پور، مظفر، (۱۳۹۷). "جایگاه پدیده تغییر طبقه بندی در مدیریت سود". مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۵(۵۷)، ۱-۲۳.
۴. رهنمای رودپشتی، فریدون و محسنی، عبدالرضا. (۱۳۹۷). "ارتباطات سیاسی، سود نقدی و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۱۱(۳۸)، ۱۲۹-۱۴۴.
۵. طالب نیا، قدرت اله؛ احمدی، محسن و بیات، مرتضی. (۱۳۹۴). "بررسی ارتباط بین کیفیت اقلام تعهدی و ریسک غیر سیستماتیک". پژوهش‌های حسابداری مالی، ۷(۲)، ۵۲-۳۳.
6. Abernethy, Margaret A., Jan. Bouwens, Peter Kroos. (2017). "Organization identity and earnings manipulation". **Accounting, Organizations and Society**, Vol. 58, April 2017, pp 1-14
7. Allam, Bahaeldin Samir (2018). "The impact of board characteristics and ownership identity on agency costs and firm performance: UK evidence", **Corporate Governance: The International Journal of Business in Society**, 10(3):62-73.
8. Al-Musali, M.A., Qeshta, M.H., Al-Attafi, M.A. and Al-Ebel, A.M. (2019), "Ownership structure and audit committee effectiveness: evidence from top GCC capitalized firms", **International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management**, Vol. 12 No. 3, pp. 407-425.
9. Bartov, E., Givoly, D. and Hayn, C. (2002), "The Rewards to Meeting or Beating Earnings Expectations", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 33 No. 2, pp. 173-204.
10. Beatty, A., Ke, B., & Petroni, K. (2002). "Differential Earnings Management to Avoid Earnings Declines and Losses Across Publicly and Privately-Held Banks". **The Accounting Review**, 77(3), 547-570.
11. Boubakri Narjess, & Jean-Claude Cosset & Walid Saffar, (2012). "The Impact Of Political Connections On Firms' Operating Performance And Financing

- Decisions," **Journal of Financial Research, Southern Finance Association; Southwestern Finance Association**, vol. 35(3), pages 397-423.
12. Butler, M., Leone, A. J., & Willenborg, M. (2004). "An empirical analysis of auditor reporting and its association with abnormal accruals". **Journal of Accounting and Economics**, 37(2), 139-165.
 13. Chau, G. and Gray, S.J. (2010), "Family ownership, board independence and voluntary disclosure: evidence from Hong Kong", **Journal of International Accounting, Auditing and Taxation**, Vol. 19 No. 2, pp. 93-109.
 14. Chau, G. and Leung, P. (2006), "The impact of board composition and family ownership on audit committee formation: evidence from Hong Kong", **Journal of International Accounting, Auditing and Taxation**, Vol. 15 No. 1, pp. 1-15.
 15. Dechow, P., & Dichev, I. (2002). "The quality of a accruals and earnings: The role of accrual estimation errors". **The Accounting Review**, 77 (1), 35-59.
 16. Desai, Naman & Nagar, Neerav (2016). "A research note: Are auditors unable to detect classification shifting or merely not willing to report it? Evidence from India". **Journal of Contemporary Accounting & Economics**, 12(2):111-120.
 17. Fairfield, P. M., Sweeney, R. J. and Yohn, T. L. (1996), "Accounting Classification and the Predictive Content of Earnings", **The Accounting Review**, Vol. 71 No. 3, pp. 337-55.
 18. Hassan, Y., Hijazi, R. and Naser, N. (2017), "Does audit committee substitute or complement other corporate governance mechanisms: evidence from an emerging economy", **Managerial Auditing Journal**, Vol. 32 No. 7, pp. 658-681.
 19. Haw, I. M., Ho, S. S. M. and Li, A. Y. (2011), "Corporate Governance and Earnings Management by Classification Shifting", **Contemporary Accounting Research**, Vol. 28 No. 2, pp. 517-53.
 20. Jensen and Meckling. (1976). "The Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Cost, and Ownership Structure". **Journal of Financial and Economics**, 3: 305-360.
 21. Kothari, S. P., Leone, A. J, Wasley, C. E., (2005). "Performance matched discretionary accrual measures", **Journal of Accounting & Economics**, 39(1):163-197
 22. Lu, J., Bu, X., & Chen, J. (2021). "Do inflowing sophisticated investors induce classification shifting? New evidence from market liberalisation in China". **Accounting & Finance**.
 23. McVay, S. (2006), "Earnings Management using Classification Shifting: An Examination of Core Earnings and Special Items", **The Accounting Review**, Vol. 81 No. 3, pp. 501-31.

24. Medioli, A., Azzali, S. and Mazza, T. (2020), "Ownership-motivated income shifting: evidence from European Multinational Groups", **Management Decision**, Vol. 58 No. 12, pp. 2621-2637.
25. Nagar, Neerav and Kaustav Sen (2016). "Classification Shifting: Impact of Firm Life Cycle". **Research and Publications**.1-30.
26. Sakina H. Poonawala & Neerav Nagar (2019). "Gross profit manipulation through classification shifting". **Journal of Business Research**, 94: 81-88.
27. Siagian, F.T. (2011), "Ownership structure and governance implementation: evidence from Indonesia", **International Journal of Business, Humanities and Technology**, Vol. 1 No. 3, pp. 187-202.
28. Victoravich, L.M., Xu, P. and Gan, H. (2012), "Institutional ownership and executive compensation: evidence from US banks during the financial crisis", **Managerial Finance**, Vol. 39 No. 1, pp. 28-46.





Audit Committee Characteristics, Ownership Structure and Classification Shifting

Zanyar Sajjadi (PhD)¹©

Department of accounting, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Kurdistan, Iran

Afshin Balani

Ph.D Candidate in Accounting, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

Ahmad Paryad

M.A. of Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

(Received: July 3, 2021; Accepted: March 14, 2022)

The purpose of this study is to investigate the effect of Audit Committee Characteristics on the relationship between ownership structure and Classification shifting. In this study, the effect of the characteristics of the audit committee on the relationship between ownership structure and Classification shifting was investigated. The present sample of the present study includes 105 companies listed on the Tehran Stock Exchange in the period 1394 to 1398. In order to test the research hypotheses, multiple regression method has been used.

The results show that there is a negative and significant relationship between institutional shareholders and Classification shifting and the independence of the audit committee weakens this relationship. While the expertise of the audit committee does not affect this relationship. There is also a positive and significant relationship between government owners and Classification shifting. While the expertise of the audit committee weakens this relationship and the independence of the audit committee has no effect on the relationship.

These findings also indicate that in the presence of institutional and government stakeholders, the characteristics of the audit committee cannot be a mitigating factor in earnings management by Classification shifting.

Keywords: : Audit Committee Characteristics, Classification Shifting, Ownership Structure.

¹ zanyar.sajjadi@uok.ac.ir © (Corresponding Author)